

مقدمه

رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی مشروط به تربیت صحیح اخلاقی است و ثمره آن فقط به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه کل جامعه را متحول می‌کند. چنین قلمرو وسیعی نیاز به راهبری مصلح دارد که خود عمری در راه فراگیری علم و کسب فضایل طی طریق کرده باشد و مهم‌تر آنکه در درک مفاهیم و حیانی و تطبیق آن بر مصادیق عصر کنونی، تکیه‌گاهی والا داشته باشد. به همین سبب این نوشتار با تأکید بر نظریه‌های معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی و تربیتی و اخلاقی به جست‌وجوی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخته است تا از رهنمودهای ایشان توشه راهی برگردد. از نظر عالمان اخلاق، تربیت اخلاقی مستلزم فراهم کردن آموزش و پرورش خاصی برای شکوفایی یک سلسله ارزش‌ها، و آموزش تعالیم اخلاقی با هدف درونی‌سازی ارزش‌هاست؛ ارزش‌هایی که بشر از ابتدای زندگی به آنها نیازمند بوده و وابستگی او بدانها روزبه‌روز بیشتر می‌شود. «دستیابی به اهداف و آرمان‌های تربیتی از نگرانی‌های اصلی هر نظام آموزشی است» (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۲۴). اخلاق، نتیجه تربیت است، در صورتی که عمل تربیتی متوجه جنبه اخلاقی انسان باشد. در طی سالیان اخیر مقام معظم رهبری هوشمندانه و ریزبینانه خواهان آغاز تحول در قلمرو نظام تعلیم و تربیت بوده و هستند و آن را لازمه نظام تربیتی کشور دانسته، این مسئله را اظهر من الشمس می‌دانند. همچنین در برخی جوامع، اخلاق مذهبی کم‌کم جای خود را به اخلاق سکولار داده و نسیت‌گرایی اخلاقی به جای مطلق‌گرایی اخلاقی نشسته و دیدگاه‌هایی جدید در مبانی اخلاق ظهور یافته‌اند (خنیفر، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰). تربیت اخلاقی نسبت به دیگر ساحت‌های تربیتی محوریت دارد و از اولویت برخوردار است. با توجه به اینکه انسان موجودی باراده و مختار است، باید انگیزه لازم در انسان پدید آید تا انسان بدون احساس فشار و تنگنا در این راستا قیام کند. این انگیزه را ایمان و اخلاق پدید می‌آورد و قوت می‌بخشد و قوانین الهی در کنار ارزش‌های اخلاقی قابل اجرا می‌گردد. بنابراین ارزش‌های اخلاقی نگهبان دین و ضامن اجرای قوانین خواهند بود. در همین راستا با توجه به جایگاه و ارزش و اهمیت تربیت اخلاقی به ویژه برای جوانان به عنوان هدف و مطابق معیارهای اسلامی، مقام معظم رهبری تربیت اخلاقی را هدفی اساسی می‌دانند که باید به دور از اجبار و تحمیل، تحت لوای ضرورت و متناسب با ویژگی‌های دینی تحقق یابد: «تربیت اخلاقی غیر از تحمیل اخلاقی است و هدف اساسی باید این باشد که جوان، متدین، دین‌باور، متخلق به اخلاق اسلامی و دارای خصوصیات که اسلام برای انسان معتبر شمرده، بار بیاید» (مقام معظم رهبری، ۸۲/۴/۳۰).

تحلیلی بر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی از منظر مقام معظم رهبری

کیا سیواوش میرزایی / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان

siyavash.m90@gmail.com

رضاعلی نوروزی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۲

چکیده

تربیت امری پیچیده، پدیده و وقتگیر است. آگاهی از روش‌ها و اهداف تعلیم و تربیت به ویژه تربیت اخلاقی، مستلزم شناخت آرای مریبان بزرگ، خصوصاً صاحب‌نظران اسلامی است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه مقام معظم رهبری است. روش مورد استفاده تحلیل محتوای کیفی است. الگوی تربیتی این پژوهش، قرار گرفتن تربیت اخلاقی در کنار تعلیم است. منابع تحقیق شامل کتاب‌ها، مجلات، مقالات و سخنرانی‌هاست. اصلی‌ترین هدف تربیت انسان‌های متفکر، محقق، پیشرو، عالم، متدین، متخلق و آراسته به فضایل اخلاقی برای رسیدن به بصیرت، سعادت و جامعه صالح در شئون فردی و اجتماعی است که دستیابی به غایت اصیل زندگی انسانی یعنی قرب الی‌الله و تخلق به اخلاق الله را دربر خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: مقام معظم رهبری، تربیت اخلاقی، تعلیم و تربیت، فضایل اخلاقی، بصیرت.

حال متأسفانه این آرا و نظرات چنان‌که باید قدر و اهمیت خود را در میان مسلمانان باز نیافته و اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان در اقصا نقاط جهان آنها را جدی نگرفته‌اند. شاید دلیل این بی‌توجهی، قدرت‌های حاکم بر ملت‌ها در طول تاریخ پس از اسلام بوده است که اعتقاد راسخی به تعالیم اسلامی نداشته‌اند. همچنین با بررسی کتاب‌ها و مقالات مرتبط، مشخص شد که تاکنون به تربیت اخلاقی از دیدگاه مقام معظم رهبری به‌طور مجزا و خاص پرداخته نشده است. لذا با توجه به این کمبود و توصیه‌ها و بیانات ارزشمند و نتایج تحقیقات مزبور، بر آنیم تا به تبیین تربیت اخلاقی از منظر مقام معظم رهبری بپردازیم.

۱. تبیین مفهوم تربیت اخلاقی

«اخلاق یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۱۲). لذا صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به‌سهولت از آدمی صادر شود، از اخلاقیات هستند. جایگاه و مفهوم تربیت اخلاقی در آموزه‌های اسلام آن‌قدر اهمیت دارد که اسلام بدون آن به‌عنوان موتور محرکه معنا ندارد. تربیت اخلاقی به بایدها و نبایدها و دستورهای اخلاقی الزام‌آور منتهی می‌شود. برخی از این بایدها و نبایدها از وضوح و روشنی برخوردارند اما برخی دیگر از آنها دارای ابهام‌اند. در گستره الزام‌های اخلاقی، اراده و اختیار آدمی نقشی محوری و بنیادی دارد. عالمان علم اخلاق بر این عقیده‌اند که می‌توان مفاهیم الزامی را نیز به مفاهیم ارزشی بازگرداند. خُلقیات امور درونی هستند و تنها در صورتی‌که رفتاری متناسب با یک صفت اخلاقی از فردی صادر شود و در شرایط مشابه نیز تکرار شود، می‌توان نتیجه گرفت او متخلق به صفت اخلاقی متناسب با آن رفتار است.

در الزام‌های اخلاقی غایت الزام، کمال مطلوب انسان است که همان کمال علوی می‌باشد؛ اما در الزام‌های دیگر این غایت از نوع مادی بوده، مطلوبی دنیوی است. تنها رسیدن به غایت، هدف اصلی است؛ اگرچه همراه شدن نیت با الزام‌های دیگر می‌تواند آنها را تبدیل به رفتاری ارزشی کند. بنابراین رفتار، آشکارکننده صفات و خُلقیات است. بر این مبنا مقام معظم رهبری الزامات اخلاقی را چنین توصیف می‌کند:

ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله صبر و گذشت، حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن و تواضع. این خصوصیات را درون خودمان تقویت کنیم و الزامات رفتاری هم این است که همین خُلقیات نیکو را در عمل به کار ببریم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

بنابراین تربیت اخلاقی هم پیش‌نیاز ساحت‌های دیگر تربیت، و هم بخشی درهم تنیده با آنها به شمار می‌آید. ایشان برخلاف برخی صاحب‌نظران و مدعیان تعلیم و تربیت در جوامع مختلف که به تربیت قبل از تعلیم توجه خاص ندارند به آزادی بدون توجه به آینده و نسل‌های پیش‌رو اهمیت ویژه می‌دهند، این کار را بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به نسل جوان می‌دانند و بیان می‌دارند:

عده‌ای تصور می‌کنند نباید به مسئله اخلاق و تربیت اخلاقی و دینی جوانان توجهی کرد و آنها را باید آزاد گذاشت؛ در صورتی که این سهل‌انگاری و بی‌اهتمامی نسبت به آینده نسل جوان است. تربیت اخلاقی، مقوله بسیار مهمی است. با شیوه‌های درست تربیت، جوانان را باید متدین بار بیاوریم (همان).

نهاد آموزش و پرورش، که یکی از گسترده‌ترین نهادهای اثرگذار و جهت‌دهنده در همه کشورهای است، با توجه به مخاطبان فراوان و مستعدی که دارد و با توجه به رسالت‌های خود، باید برنامه تربیت اخلاقی را جزو اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسائل خود قرار دهد. این ضرورت، که برخاسته از نقش و جایگاه اخلاق در حیات انسانی است، زمانی مورد تأکید قرار می‌گیرد که وظیفه اصلی این نهاد را احیای فطرت دینی انسان‌ها بدانیم؛ چراکه رسالت متولیان امر تربیت، بیدار کردن فطرت انسان‌ها و پاک کردن غبار غفلت از آنهاست تا انسان حضور خدا را در زندگی و از درون خود لمس کرده، گرایش او به دین و اخلاق آشکار گردد. نظام تربیت اخلاقی رایج در مدارس، بیشتر بر بعد معرفتی آموزش نظری تمرکز دارد و به دیگر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کمتر توجه می‌کند. امروزه یکی از دغدغه‌های نظام‌های آموزشی، چگونگی تربیت اخلاقی است. مقام معظم رهبری با عنایت به حاکمیت شیوه‌های مرسوم و باقیمانده در مدارس که بعضاً نشأت گرفته از غرب هستند، می‌فرماید: «در مدارس همت باید بر این باشد که متریبان از لحاظ دینی، در قلمرو اعتقاد، تربیت و اخلاق و تعبد عملی، انسان‌های مسلمان بار بیابند و این علاج و اساس کار است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵). از منظر رهبر فرزانه انقلاب، لازمه تربیت اخلاقی تحول اخلاقی است و لازمه تحول تلاش، حرکت و همت است؛ یعنی اینکه انسان هر رذیلت اخلاقی‌ای را که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود اوست کنار بگذارد و خویشتن را به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی بیاراید.

رویکرد افراد در پژوهش و ردیابی پیشینه تربیت اخلاقی در اسلام، به سابقه حضور مربی‌گونه انبیا و کتاب آسمانی باز می‌گردد. در خصوص آرا و نظرات تربیتی و اخلاقی علما و متفکران اسلامی نیز می‌توان گفت: به‌رغم اینکه این آرا و نظرات از یک منبع (اسلام و قرآن) سرچشمه گرفته‌اند، هر کدام از آنها بعدی از تربیت اخلاقی را پررنگ‌تر کرده‌اند با این

پس تربیت اخلاقی مستلزم پایبندی اخلاق به بایدها و نبایدها و احترام نسبت به ارزش‌هاست. بدین صورت اخلاق به معنای فضایل به کار رفته، و تمام شئون بر پایه‌های بلند اخلاق و فضیلت استوار است آن دسته از دستوره‌های اخلاقی که مربوط به روابط اجتماعی و جلب منافع مادی و چگونگی معاشرت با دیگران است و موجب بهبود زندگی دنیوی می‌شود، در گروه محاسن اخلاق قرار می‌گیرد اخلاقیات که معیار انسانیت بوده و از بزرگواری و طبع بالا و تعالی روحی و معنوی انسان حکایت می‌کند در زمره مکارم اخلاق قرار می‌گیرد. بنابراین گام اول در اخلاق، رعایت محاسن اخلاقی است و این، خود گامی است برای دستیابی به مکارم اخلاق و در حقیقت، محاسن اخلاقی بستری برای مکارم اخلاقی است. پس مکارم اخلاق آن دسته از صفاتی است که در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد و به انسان تعالی معنوی عطا می‌کند و تمایلات را از قوه به فعلیت در می‌آورد. مکارم اخلاقی از محاسن اخلاقی بالاترند و اگر بخواهیم محاسن اخلاقی را درجه بندی کنیم، دو نوع محاسن اخلاقی داریم: یکی حسن و دیگری احسن که احسن، همان مکارم اخلاقی است؛ زیرا نیکوترین شیوه برخورد را در زندگی به نمایش می‌گذارد. پس مکارم اخلاقی همان انتخاب نیکوترین است. از منظر مقام معظم رهبری داشتن مکارم اخلاقی یعنی اینکه «انسان صبور باشد، متین باشد، باانصاف باشد، خوش ذات باشد، نسبت به مردم خیرخواه باشد، خدوم باشد، اهل کار باشد، مبتکر باشد، پیشرو باشد و تنبلی نکند» (مقام معظم رهبری، ۱۷/۱۰/۹۲). براین اساس ضرورت توجه و شناخت و به‌کارگیری ارزش‌های اخلاقی بر جامعه از ضروریات انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

۲. ضرورت ارزش‌های اخلاقی و تربیتی

اگر اخلاق نباشد نه دین برای مردم مفهوم دارد و نه دنیای آنها سامان می‌یابد. انسان زمانی شایسته نام انسان است که دارای اخلاق انسانی باشد و در دنیای امروز، انسانیت و ارزش‌های اخلاقی در مسلخ تمدن جدید قربانی شده، بی‌بندوباری و افسارگسیختگی جای آنها را گرفته‌اند. بنابراین ارزش‌های اخلاقی نگهبان دین و ضامن اجرای قوانین خواهند بود. ضرورت اخلاق از آن روست که روح ما را سالم می‌سازد و بهترین شیوه زندگی فرد را تعلیم می‌دهد. پس پاک ساختن نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل از مهم‌ترین ضروریات است، و بدون آن دست یافتن به زندگانی حقیقی محال است. مهم‌ترین ارزش علم اخلاق، هدایت اراده انسان‌ها به سوی خوبی‌ها و کمالات و تحقق فضایل انسانی و نیز دوری از پلیدی‌ها و رذایل است؛ ازاین‌رو علمای بزرگ اخلاق، مهم‌ترین ضرورت این علم را

تغییر خلق و تحول روحی آدمیان برشمرده‌اند. آشنایی با اهمیت و ضرورت اخلاق، انگیزه فراگیری مباحث اخلاقی را در انسان بیشتر می‌کند و هر چه افراد جامعه با اهمیت اخلاق در روابط اجتماعی و محیط اجتماع بیشتر آشنا شوند، در پیمودن مسیر رشد و تعالی خود و دیگران موفق‌تر خواهند بود. مقام معظم رهبری تخلق به اخلاق الهی را هدف اصلی و کارهای دیگر و سایر اصول و محاسن متعارف و مطلوب مورد نظر را مقدمه‌ای برای آن می‌دانند:

فایده‌آسایی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست. کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان‌هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است (مقام معظم رهبری، ۱۸/۴/۷۰).

بنابراین موضوع علم اخلاق، انسان و سازندگی روحی و معنوی و تهذیب باطن اوست. از این جهت پس از علم الهی که موضوع آن شناخت حق است، باید گفت که علم اخلاق از پراج‌ترین و ضروری‌ترین علمی است که انسان به آن نیاز دارد. به همین دلیل است که اصلاح انسان‌ها و جوامع بشری، و نجات آنان از مشکلات و معضلات و مفاصل فردی و اجتماعی، در پرتو ترویج اخلاق به معنای واقعی تحقق خواهد یافت. لذا مقام معظم رهبری با پیروی از ائمه علیهم‌السلام بیان داشته‌اند: «هر چه از فضایل اخلاقی فاصله بگیریم، مشکلات و گره‌های زندگی پیچیده‌تر و بیشتر خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۷/۹/۸۲). هنجارهایی که در جهان امروز و کج‌روی‌هایی که در جهان با آنها روبه‌رویم، بیشتر مربوط به کم‌رنگ شدن و فراموشی اخلاق و نادیده گرفتن سهم آن در دانسته‌های بشری است. جامعه امروز به لحاظ علم و فناوری به پیشرفت‌هایی خیره‌کننده رسیده، ولی به رغم این پیشرفت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، کرامات انسانی و بزرگواری‌ها رشد نکرده است.

از دیگر ضروریات اخلاقی در جامعه، رعایت اخلاق فردی و اجتماعی است و به نظر می‌رسد مشکلات جامعه را نیز اخلاق حل می‌کند. رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند:

علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت و معنویت و گرایش به مادگرایی است. باید تفکر ناب اسلامی که ناشی از نگاهی جامع به توحید است نمود پیدا کند و اصول‌گرایی، هدف آرمانی تربیت دینی باشد (شوبکلائی، ۱۳۸۹).

امروزه به نظر می‌رسد اخلاق غربی همسو با تکنولوژی وارد زندگی شده که پیروی از آن بی‌فایده و گاه مضر است؛ درحالی‌که ارزش‌های اخلاقی کمتر جزو شئون فردی در جامعه به شمار می‌آید و

اخلاق‌مداری کم‌رنگ شده است. برای رهایی از بحران اخلاقی معاصر و برای احیای ارزش‌های اخلاقی و تربیتی باید قیام جدی کرد. در نظر مقام معظم رهبری ریشه گرفتاری‌های بشری و ظلم و تسلط قدرت‌های زورگو همراه با غارت و خشونت و دیگر پیامدهای آن معلول انزوای اخلاق در زندگی بوده و هست:

امروز اگر در دنیا ظلم و سلطه وجود دارد و تمدن خشن غربی دنیا را از فضای خشونت و ظلم و زورگویی و ناحق‌گویی تسلط قدرت‌ها بر ملت‌ها غارت اموال ملت‌ها به وسیله مراکز جهانی پر کرده است، اینها به خاطر انزوای معنویت و اخلاق انسانی است. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، تهیدستی از اخلاقیات است که انسانیت را امروز در دنیا پریشان کرده است (مقام معظم رهبری، ۱/۷۶/۱).

گاهی افراد همه تلاش خود را صرف تحصیل دانش می‌کنند و به اخلاق بی‌توجه یا کم‌توجه هستند؛ غافل از اینکه علم بدون اخلاق آفت جامعه است و دانش زمانی می‌تواند سودمند باشد که در حوزه‌های گوناگون اعم از فردی و اجتماعی اخلاق حاکم باشد. رهبر انقلاب اسلامی در زمینه لزوم تربیت و ارزش‌های اخلاقی می‌فرماید: «جزو تعالیم اسلام است که با زبان و تبیین باید مردم را با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگاه داشت» (مقام معظم رهبری، ۱۱/۵/۸۰).

اهمیت اخلاق و تزکیه بر کسی پوشیده نیست. به سبب اهمیت و ضرورت ارزش‌های اخلاقی، این ارزش‌ها باید در نظام تربیتی و آموزشی جای داده شوند. اصلاح انسان‌ها در جوامع مختلف و نجات آنها از مشکلات تنها در پرتو ترویج اخلاق صحیح و دعوت انسان‌ها به آراسته شدن به فضایل اخلاقی میسر است. بدیهی است تا این‌گونه مسائل حل نشوند، نمی‌توان نظام اخلاقی قابل قبولی را مطرح ساخت و در برابر نظام‌های اخلاقی دیگری که اخلاق را قراردادی و تابع سلیق اجتماعی و فرهنگ‌های قومی می‌دانند و منشأ اخلاق را طبیعت تلقی می‌کنند دفاع کرد. لذا ایشان می‌فرمایند: «ما ارزش‌های اخلاقی و تربیتی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳/۸/۶۵).

بنابراین هر انسانی را به میزان ظهور ارزش‌های اخلاقی در افکار و گفتار و رفتارش ارزیابی می‌کنند. اولین نمودی که از یک شخص در جامعه ظاهر می‌شود، تربیت اخلاقی آن فرد است؛ چرا که فضایل اخلاقی مطلق است و همه آن را می‌پسندند. عمل صالح عملی است بجا و ثمربخش و رشددهنده فرد و جامعه به سوی کمال نهایی، و مسلم است آنکه بخواهد

عملش صالح باشد باید از شناختی همه‌جانبه برخوردار باشد. در منظر رهبر فرزانه انقلاب، انسان‌ها باید به اخلاق حسنه تخلق پیدا کنند. البته تخلق به اخلاق حسنه خود مقدمه تعالی و تکامل معنوی و روحی و دستیابی به معرفت برتر، به منزله هدف نهایی انسان کامل است؛ تا اینکه مکارم اخلاق، در میان بشر و افراد جامعه، و این امت کامل شود، رشد کند و همه از آن برخوردار شوند. باید اخلاق انسانی را به عنوان ضرورت در خود تقویت و تکمیل کنیم. اگر در جامعه‌ای که متعلق به اسلام است، از اخلاق الهی دور بمانیم و دنبال هوس‌ها، خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها برویم، از اهمیت و ضرورت اخلاقیات و هدف که همان سعادت است غافل شده‌ایم. انسان بدون اخلاق و تربیت واقعی و بدون شکوفایی استعدادهای درونی و ابعاد روحی و فطری، یعنی، انسان فاقد همه چیز. هر چه پیشرفت علم و صنعت بیشتر باشد، نیاز به رعایت اخلاق شدیدتر می‌شود. در این پژوهش کوشیده‌ایم مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیت اخلاقی را مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به اختصار بیان کنیم.

۳. مؤلفه‌های تربیت اخلاقی (از منظر مقام معظم رهبری)

۱-۳. هدف: رستگاری و سعادت

هدف تربیت اخلاقی، افزایش آگاهی و کسب التزام درونی افراد نسبت به ارزش‌های اخلاقی است؛ زیرا رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی مشروط به تربیت صحیح اخلاقی است. «هدف اساسی باید این باشد که جوان متدین، دین‌باور، متخلق به اخلاق اسلامی و دارای خصوصیاتی که اسلام برای انسان معتبر شمرده بار بیاید» (مقام معظم رهبری، ۲۹/۷/۸۹). پس انسان ایمانی همان انسان اخلاقی است؛ زیرا بنیاد دین بر اخلاق است و فلسفه و هدف آموزه‌های وحیانی، تخلق انسان به اخلاق الله است. از سویی هر چیزی کمالی دارد و کمال انسان دارا شدن خلق عظیم و یافتن سعادت و رستگاری و قرب الهی است. در نظر رهبر فرزانه انقلاب: «حقیقت هر انسانی، خواسته و فکر و هدف و راه اوست» (مقام معظم رهبری، ۲۵/۵/۶۸). هدف تربیت اخلاقی، انسان بار آوردن و انسان نگاه داشتن است. تربیت فرد باید همه‌جانبه باشد و انسان را به مکارم اخلاقی و قرب الهی برساند.

به نظر می‌رسد هدف علم و تربیت اخلاقی کمال انسان است. این کمال می‌تواند از لحاظ مادی و یا معنوی باشد؛ چنان‌که علم بیشتر بر جنبه معنوی و دنیوی تکیه دارد. نفوذ و ادغام اخلاق در علم موجب می‌شود ملزوماتی را مد نظر داشته باشد و تربیت اخلاقی می‌کوشد

۲-۳. تربیت اخلاقی در جبهه‌های گوناگون

۱-۲-۳. تربیت اخلاقی در جبهه سیاست

منظور از سیاست اخلاقی اشرافیت و برتری اصول اخلاق در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تنظیم برنامه‌هاست؛ یعنی اصول و مبانی سیاست باید بر بستر اخلاق اسلامی رشد می‌کنند و اجرایی شوند. دیدگاه اسلام آن است که سیاست باید مطابق با اصول اعتقادی و ارزش‌های دینی و مسیر حرکت آن هدایت به سمت کمال، فضیلت و سعادت‌مندی انسان‌ها شکل بگیرد. این یعنی اصالت دادن به مفاهیم و موضوعات اخلاقی در برابر مفاهیم سیاست و حکومت در اداره جامعه اسلامی، که هدف آن ایجاد و تشکیل دنیای عاری از ستم، جنگ و تجاوز است تا مسیر هدایت انسان‌ها را به سوی سعادت‌مندی و تعالی فراهم آورد. بین اخلاق فردی و سیاسی تفکیک نیست. تلازم اخلاق و سیاست ضرورت دارد. اخلاق فردی در پی فضیلت و سعادت فردی، و اخلاق سیاسی به دنبال فضیلت و سعادت جمعی است و هدف، هدایت مردم به سوی سعادت است و این جز با پابندی به اصول اخلاقی در سیاست ممکن نیست. مقام معظم رهبری با عنایت به همراهی سلوک سیاسی و اخلاقی می‌فرماید: «سلوک سیاسی از سلوک معنوی و اخلاقی جدا نیست؛ سیاست آمیخته با معنویت و اخلاق است، منشأ گرفته‌ای از معنویت و اخلاق است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۲۰). مهم این است که سیاست در اسلام بر پایه فضایل و مکارم اخلاقی و انسانی استوار است و برای کسب قدرت نیست. هدف، خدمت به مردم و آشنایی آنها با فضایل و کمال است. پس سیاست تابع اخلاق است؛ در غیر این صورت برای کسب قدرت و ثروت خواهد بود و آفت محسوب می‌شود. نشانه‌های این آفت‌خیزی با اندک تأمل امروزه در جای‌جای دنیای تحت لوای سلطه و بی‌اخلاقی به‌وضوح مشهود است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود برای مردمی که مواجه با آن سیاست‌اند وسیله کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا شد سیاست‌ورزی می‌شود برای کسب قدرت به هر قیمت و کسب ثروت در دنیا. این سیاست می‌شود آفت (همان).

در دیدگاه مقام معظم رهبری، تقوای سیاسی یعنی هر کس که در کار سیاست است، بکوشد با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند. مهم‌ترین رکن در تقوای سیاسی،

خطاهایی را که ممکن است پیش آید کنترل کند. ایشان در این زمینه با بی‌انتها دانستن این تلاش و پیامد آن برای آدمی بیان می‌دارند:

در مبنای تفکر اسلامی، هدف از حیات انسان رسیدن به رستگاری و سعادت در دنیا و آخرت است و انسان را همان بذری می‌داند که باید رشد کند تا قوام یابد و میوه بدهد و ثمربخش باشد و در مورد انسان برای این حرکت تکاملی سقفی وجود ندارد (خنیفر، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

پس می‌توان گفت اساس عملکرد ماندگار انسان در جامعه اخلاقیات اوست و هر چه به قصد و موجب قرب به خدا باشد، ارزنده‌تر و پایدارتر خواهد بود و هر چه جنبه مادی و دنیوی و غیرخدایی و بی‌اخلاقی داشته باشد، ماندگاری‌اش به همان درجه سقوط می‌کند. لذا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اما هدفی که الهی و قایم به غیب و خواست خداست و انسان در راه آن فداکاری می‌کند، آن هدف نمی‌میرد و تنها هدفی ماندگار و باقی است که الهی باشد» (همان).

هر هدفی که قایم به نفس و شخص انسان است، متعلق به اوست و با رفتن و مردن انسان، آن هدف هم می‌میرد و از بین می‌رود. ایشان همچنین می‌فرمایند:

خدمت‌ها، اخلاص‌ها و ایمان قلبی و امثال اینها سازنده یک حیات سعادت‌مند جاوید است و بعکس بی‌اعتقادی‌ها، بی‌ایمانی‌ها و خلق و خواهی بد و... موجب حیات شقاوت‌آلود در جهان آخرت است. تنها راه سعادت ادامه راه با حفظ شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ و اراده مستحکم مبتنی بر باور و ایمان اسلامی است (شوبکلانی، ۱۳۸۹).

به همین سبب باید مبدأ و مبنا توحید و مقصد نیز توحید باشد و جز خالق کسی نمی‌تواند بر سرنوشت مردم حاکم باشد و آنها را به سرمنزل سعادت برساند. هرگاه انسان به مقام توحید افعالی و نیز به این حد از معرفت برسد که هیچ نعمتی را از خود نبیند و همه فیض‌ها را از آن خدای سبحان بداند، در او نشاط کار و تکاپو ایجاد می‌شود. با این نگرش چون او می‌داند هر کاری را که انجام دهد بی‌پاداش نمی‌ماند، بنابراین در کارهایش نه دچار امروز و فردا کردن و آرزوهای دراز می‌گردد و نه خود را بر دیگران تحمیل می‌کند. رهبر فرزانه انقلاب بیان می‌فرماید: «راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب که در آن توحید و نفی عبودیت غیرخدا، از هر چیز برجسته‌تر و درخشانده‌تر است، برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲). هدف این است که انسان خود را اداره کند؛ تمایلات و هواهای نفسانی را مهار کند و از آنچه غیرمنطقی و غیرعقلانی است، دور گردد. در برنامه‌های تربیتی متعالی، به رشد اخلاقی انسان سخت توجه شده است.

صادقانه و دردمندانه عمل کردن است. سیاست مزوج با این تقوا منشأ برکات و ثمرات مادی و معنوی در جامعه خواهد بود و جامعه بر اساس این سیاست به سوی سعادت حقیقی حرکت خواهد کرد. نسبت اخلاق و سیاست، صرفاً مسئله‌ای نظری و دانشگاهی نیست که منحصر به حلقه‌های درسی باشد، بلکه نتایج عملی گسترده‌ای دارد که ماحصل آن پایبندی یا عدم پایبندی به اصول اخلاقی است.

۲-۳. تربیت اخلاقی در جبهه اجتماع

هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آن است؛ یعنی در واقع سازه اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد. ما باید به اخلاق خیلی اهمیت بدهیم (مقام معظم رهبری، ۱۱/۹/۸۳). هر چه افراد جامعه با اهمیت اخلاق در اجتماع بیشتر آشنا شوند، در پیمودن مسیر رشد و تعالی خود و دیگران موفق‌تر خواهند بود. جایگاه و اهمیت اخلاق در زندگی اجتماعی تا آنجاست که حتی عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست و اخلاق، بهترین ضامن اجرای آن است. می‌توان گفت اخلاق در زندگی اجتماعی عینیت می‌یابد و محقق می‌شود. مقام معظم رهبری درباره زندگی اجتماعی و فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت آن در جامعه تحت عنوان یک واجب و مسئولیت مهم می‌فرماید: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند. این، واجب، مسئولیت شرعی، انقلابی و سیاسی شما هم هست» (مقام معظم رهبری، ۲۹/۷/۷۱). انجام معروف وقتی آسان می‌شود که همه هدف‌ها متوجه قرب الی‌الله باشد و منکر وقتی صورت می‌گیرد که انسان از این هدف به انحراف کشیده شود و عقب بیفتد. امر به معروف و نهی از منکر، وقتی اثرگذار است که امر یا ناهی، این حقیقت را به فرد امرشونده یا نهی‌شونده القا کند. نکته مهم در این روش آن است که فرد باید به گفته‌های خود عمل کند تا نشانه صدق دعوی او باشد. درباره رعایت حقوق دیگران باید گفت خداوند سبحان، آفرینش را بر اساس حق استوار کرد و دینش حق است. براین اساس، انسان در یک نظام کاملاً به حق آفریده شده و دادوستدهای فکری و عملی او و ارتباطش با خدا، خود و پدیده‌های دیگر باید بر محور حق قرار گیرد؛ به باطل نگراید، و از محور حق منحرف نگردد. رعایت حقوق دیگر افراد به سود همه است. عدم رعایت آن به دلیل خودخواهی و توجه به منافع شخصی بوده، برای جامعه مضر است. شناخت حقوق دیگران بر همگان لازم و ضروری است و تعدی به حقوق دیگران مهم‌ترین عامل تفرقه است. رعایت نکردن حق الناس موجب گرفتاری در دنیا و عذاب در آخرت است. بر هر فرد مسلمانی

واجب است به حقوق دیگران، هرچند که جزئی و پیش پا افتاده باشند تجاوز نکند و رعایت کردن حقوق دیگران را جزو وظایف دینی خود بداند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «اخلاق‌های رفتاری افراد جامعه؛ مثل انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حق دیگران، اینکه دیگران حقی دارند و باید حق آنها رعایت شود، یکی از خلیقات و فضایل بسیار مهم است» (مقام معظم رهبری، ۱۷/۹/۸۲). یکی از ویژگی‌های جامعه، اخلاق اجتماعی کرامت‌محور است. به گونه‌ای که می‌توان حفظ کرامت دیگران را اساسی‌ترین رکن در اخلاقی اجتماعی مؤمن دانست. از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است، حفظ و توسعه کرامت او نیز در گرو ارتباطات جمعی و گروهی است. به علل و بلکه به بهانه‌های مختلف، باید در روابط اجتماعی، شخصیت دیگران را ارتقا داد و باید از این حق برخوردار باشند. کرامت‌ورزی ابعاد مختلفی دارد: مالی، آبرویی، اجتماعی و بسیاری از گفتارها و کردارها. اخلاق عامل مهم برای تزکیه است. رهایی و تخلیص، از مقاصد اخلاق اجتماعی است.

۳-۲-۳. تربیت اخلاقی در جبهه اقتصاد

هدف عالی نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان، افزایش ثروت جامعه و به تبع آن ثروت افراد جامعه و رفاه عمومی در چارچوب تعالیم دینی است. افزایش ثروت و رفاه، هدف همه نظام‌های اقتصادی است. البته ابزار تحقق این هدف، علم و تکنیک‌های اقتصادی است. تفاوت نظام‌ها در امور اقتصادی به نوع افزایش رفاه و هدف غایی آنها مربوط می‌شود. اسلام در رسیدن به همه اهداف اقتصادی‌اش از قبیل زدودن فقر، ایجاد رفاه و اجرای عدالت، از چارچوب ارزش‌های اخلاقی خارج نمی‌شود؛ زیرا تحقق این ارزش‌ها همراه با پیاده شدن اقتصاد اسلامی و از اهداف مکتب اسلام است؛ لیکن یکی از سفارش‌های مؤکد مقام معظم رهبری در دوره اخیر، لزوم پایبندی به اقتصاد مقاومتی در راه نیل به خودباوری و ایستادگی و تحقق ارزش‌های اخلاقی است. اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است که لزوماً قابلیت‌ها و ویژگی‌های یک اقتصاد مقاومتی را در خود خواهد داشت. یک نظام اقتصاد اسلامی، نظامی است علمی و مکتبی است از کارآمدترین ایده‌ها. آمیختن ارزش‌های اخلاقی با اقتصاد، به هدف تأمین رفاه مادی و سعادت اخروی انسان است. مراد از اخلاق اقتصادی، مجموعه‌ای از صفات و رفتارها به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مطلوب، سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و مصرف بهینه است و فرد تربیت‌یافته در پرتو اعتقادات دینی و اخلاقی، خود را ملزم به انجام دادن یا ترک کردن آنها می‌داند. ارجحیت ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی، اصالت منافع عمومی و

رضایت الهی، پرهیز از مفاسد اقتصادی، قناعت و ساده‌زیستی، سخاوت و... است. در اسلام پرداختن به امور اقتصادی مردم، جزو واجبات حکومت‌هاست. مقام معظم رهبری معتقدند: «ریخت و پاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به هیچ وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش، جود و سخاست و نه کرم و بزرگ‌منشی است» (مقام معظم رهبری، ۷۴/۱/۱).

اخلاق اقتصادی یعنی ارزیابی اخلاقی کسب درآمد و مصرف آن از جهت کیفیت و چگونگی و از کارآمدترین ایده‌های اسلام، آمیختن ارزش‌های اخلاقی با اقتصاد به هدف تأمین رفاه مادی و سعادت اخروی انسان است. برای تحقق این هدف، سلسله‌ای از اهداف میانی مطرح می‌گردد که از سوی انگیزه فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌آید و از سوی دیگر، مقدمه دستیابی به هدف نهایی است.

۳-۳. تربیت اخلاقی مبتنی بر معرفت و شناخت

۳-۳-۱. بصیرت

بصیرت، نه دانایی صرف، بلکه دانایی همراه با باور و ایمان است و از این رو موجب هدایت و حرکت است؛ درحالی که علم همواره مقرون باور قلبی نبوده، و در نتیجه لزوماً مایه عمل به مقتضیاتش نیست. بصیرت موجب هدایت است و انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند. انسان بصیر به کمک این قوه از خطر گمراهی و فریب خوردن در امور و موضع‌گیری غافلانه در امان است و مانند سپری است که در هنگام فتنه‌ها و مواقع خطرناک انسان را مصون می‌دارد. شاید از این روست که زره و لباس محافظ جنگی را بصیرت نامیده‌اند؛ چون انسان را از شمشیرها و ضربه‌های نابهنگام و غافلگیرانه حفظ می‌کند. دستیابی انسان به بصیرت اخلاقی، اوج شکوفایی اوست تا بتواند بر ناراستی‌ها و کژئی‌ها غلبه کند و راه درست و مستقیم الهی را ببیند. لذا مقام معظم رهبری با توجه به نقش و اهمیت موضوع، می‌فرمایند: «اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید» (مقام معظم رهبری، ۸۸/۶/۳). بصیرت، بینش، دانایی، هوشیاری و آگاهی است. در اصطلاح، همان عقلی است که با نور قدسی منور و به شعاع هدایت الهی آراسته گشته است و از این رو در مشاهده خطا نمی‌کند و به دلیل و برهان نیاز ندارد؛ بلکه حق را، روشن و آشکار می‌بیند و باطل را با خواری و ذلت نفی می‌کند. از این رو انسان را از حیرت و تشویش و تردید می‌رهاند و هرگونه شبهه‌ای را طرد می‌کند؛ چنان‌که صاحب *منازل السائرین* می‌نویسد: «بصیرت چیزی است که تو را از حیرت خلاص می‌سازد». بصیرت اخلاقی یعنی رشد و

بالندگی فکری و اخلاقی انسان جهت رسیدن به کمال نهایی و دستیابی به روشن‌بینی دینی و دانایی معنوی که به تزکیه و تهذیب انسان و دوری او از ناراستی‌ها و کژتابی‌های گوناگون می‌انجامد و به تشکیل حیات معقول انسانی و حیات طیبه منجر می‌شود.

بصیرت در اصطلاح عرفانی، عبارت است از: قوه قلبی که به نور قدس روشن باشد و شخص با آن قوه، حقایق و باطن اشیا را ببیند. مقام معظم رهبری بصیرت را قطب‌نمای حرکت صحیح و شاخص راه معرفی می‌کنند و معتقدند که بصیرت به معنای آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان‌بخش و علمی یقینی، همچون نوری است که به انسان، توانایی درک حقایق و پشت‌پرده حوادث را می‌دهد؛ به گونه‌ای که راه حق را از باطل به وضوح تشخیص می‌دهد: «در جاده، همیشه باید شاخص، مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می‌کنید» (مقام معظم رهبری، ۸۸/۱۲/۶). بر این اساس بصیرت، روشن‌بینی، اندیشمندی و دانایی حکیمانه و انسانی است که همچون چراغی پرنور در شب تاریک، جلوی او را روشن می‌کند و راه کمال و انسانیت را برای وی نمایان می‌سازد و مانع از سقوط او در جهالت، ضلالت و حیوانیت می‌گردد. پس، خردورزی فاصله‌ای است که از اخلاق الهی و طهارت روح به دست می‌آید و بر روشن‌بینی و نیک‌اندیشی او، اثری عمیق دارد. این بصیرت اخلاقی است که در شناخت حق از باطل و عیوب فرد و جامعه، شناخت احکام الهی و موانع رشد و راه نجات و رستگاری، به انسان یاری می‌رساند. انسانی که حجاب‌های هوس و تمایلات نفسانی و مادی، جلوی چشم باطن و عقل پویای او را گرفته است، نمی‌تواند حقایق را آن‌گونه که هست و راه حیات طیبه و معقول را آن‌گونه که باید، مشاهده کند؛ اما طهارت روح و پاکی باطن و رشد دانایی، منجر به درک هر چه بیشتر حقایق و شکوفایی استعدادهای انسانی می‌شود. پس بصیرت واقعیت عینی است که با تحقق آن، انسان‌ها به مراحل بالایی تربیتی و اخلاقی دست می‌یابند و گام در مسیر سالم و بایسته می‌گذارند. بصیرت عامل حل مشکلات فرد و جامعه است: مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می‌آید، بر اثر یکی از این دو است: یا عدم بصیرت یا عدم صبر» (مقام معظم رهبری، ۷۷/۸/۱۲). با توجه به معنای بصیرت، هدف کلی شناخت و شناساندن حق و حقیقت است تا در سایه آن روشن‌دلی، جامعه رو به تکامل و سعادت پیش برود و شرایطی فراهم آید که جامعه اسلامی در مسیر حق قرار گیرد، به کمال نهایی برسد و زمینه‌ساز حکومت عدل الهی شود.

متأسفانه در غرب به علم و زادهٔ عقل بشری تا جایی اهمیت داده‌اند که خود را گام‌به‌گام به منجلا ب تباهی کشانده‌اند و با تمام پیشرفت‌های علمی، راه شقاوت و بدبختی را می‌پیمایند. البته در نگرش اسلامی، کسانی حقیقتاً انسان‌اند که در مسیر و قلمرو علم حقیقی باشند یا عالم ربانی باشند یا متعلمی در راه نجات (همان). دین انسان را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند و ایمان را بر پایهٔ آن می‌داند. تفکر و تعقل همیشه مقدمهٔ درست انجام دادن کارها بوده است که در کارهای اساسی و زیربنایی، خود اصلی محسوب می‌شود. ارزش تدبر و تفکر تا آنجاست که به کار گرفتن نیروی عقل و اندیشه برای استنتاج امور مثمر می‌باشد. رسول خدا ﷺ فرمودند: «اندیشیدن یک ساعت برتر است از عبادت یک سال»؛ چنان‌که تفکر علمی، یک نظریهٔ علمی را نتیجه می‌دهد. عقل یکی از منابع چهارگانهٔ احکام است. مقصود این است که گاه ما یک حکم شرعی را به دلیل عقل کشف می‌کنیم: «اسلام و قرآن، حتی دربارهٔ اصیل‌ترین موضوعات دینی همچون توحید نیز روی تعقل و تدبر تأکید می‌کنند. از اول تشیع در تعالیم ائمه علیهم‌السلام به سوی عقل، منطقی و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

از منظر مقام معظم رهبری برجستگی‌های اخلاقی و فکری، تدین، خوش‌خویی، خیرخواهی، خوش‌بینی، امیدواری، بلندهمتی، خلاقیت فکری، پرسشگری، تمایل به ورود در میدان‌های بسیار وسیع نادانستی‌های بشر برای کشف دانستی‌ها و افکندن نور علم به وادی مجهولات، از ضروریات جامعهٔ امروز است. بنای تعالیم دینی و تربیت اخلاقی نیز بر تفکر و تعقل گذاشته شده و تأکید بر آن است. عقل عالی‌ترین معرفت انسان را که با روح انسانی همسان است ملاحظه می‌کند و با توجه به اینکه کمال انسانی در بالا رفتن مرتبهٔ آن معرفت است، حکم می‌کند که کمال نهایی در رسیدن به عالی‌ترین معرفت شهودی است. البته این مرتبه از معرفت شهودی با حرکت به سوی شهود مطلق، وجود مطلق و کمال مطلق حاصل می‌شود.

۳-۴. تجلی تربیت اخلاقی در رفتار

۳-۴-۱. عدالت و اخلاق

مقام معظم رهبری به مفهوم و ویژگی‌های عدالت اشاره، و آن را هدف معرفی می‌کند:

حیات طیبۀ اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه از زندگی دنیوی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند، منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از: اینکه انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از

ویژگی اصلی جامعهٔ نمونه، اخلاقی و عقلانی رفتارها، گفتارها و پندارهاست؛ یعنی رسیدن انسان‌ها به بصیرت اخلاقی و تحقق جامعهٔ سالم و فاضله که بر اساس منابع معتبر دینی، بصیرت اخلاقی تعلیم و تربیت قدسی انسان است که در عصر ظهور، به طور کامل محقق می‌شود. دوران شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت اخلاقی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است. در دیدگاه مقام معظم رهبری، نگاه توحیدی به جهان طبیعت پایهٔ اساسی بصیرت است. حوادث را درست نگرستن، درست سنجیدن و در آنها تدبر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. معمولاً انسان‌هایی که وارد عرصه‌های علمی و دینی می‌شوند، زمینه‌های بصیرت بیشتری دارند و می‌توانند این زمینه‌ها را تقویت کنند و به مرحله‌ای برسند که فرد بصیر نامیده شوند. اگر بصیرت نداشته باشید و دوست و دشمن را نشناسید، ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارید و اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید. بنابراین اگر امروز سخنان رهبری را فهمیدیم و عمل کردیم و قدر ولایت را دانستیم، آن وقت می‌توان گفت که بصیرت یافته‌ایم. در واقع بصیرت و بینش، نور درونی است که شخص با آن نور می‌تواند در میان مردم، سالم و سازنده زندگی کند. انسانی بابصیرت است که راه را از چاه و حقیقت را از امر غیرحقیقی باز می‌شناسد و با در نظر گرفتن اطلاعات و داده‌ها، گزینشی برتر و بهتر دارد، و در ارائه رأی و نظر، تصمیم صحیح و درست را اتخاذ می‌کند. در این زمینه امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «کسی که بصیرت نداشته باشد، رأی او نادرست و بی‌ارزش است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۱۰۳).

۲-۳. تفکر و تعقل

عقل پس از دریافت هدایت الهی انسان را در تطبیق بر موارد و موقعیت‌ها یاری می‌کند. اسلام دینی است که نه تنها با نیروی عقل و قدرت تفکر مخالفت و مبارزه نکرده، بلکه تقریباً در همهٔ جهات از آن کمک و تأیید خواسته و به نحو عجیبی هم بر آن تکیه کرده است. جالب آنکه بدانیم درحالی‌که ادیان دیگر، قوهٔ عقل انسان را حتی در جزئی‌ترین مسائل را کد نگه داشته‌اند، اسلام آنقدر آن را محترم و آزاد دانسته که حتی دربارهٔ اصول عقیدتی خود که تحصیل آنها بر همگان مفروض است، نه تنها تقلید و تعبد را ناکافی و مردود دانسته، بلکه خوان تعقل و تفکر انسان را نیز در ساحت آن گسترده و الزام داشته که هر فردی، مستقل و آزادانه صحت آنها را بسنجد. انسان عاقل هنگامی که عقل خویش را فعلیت می‌بخشد، در مسیر کمال گام برمی‌دارد.

نخواهد بود و به‌سادگی از درون فرو می‌پاشد. عدالت والاترین ارزش و آرمان برای رستگاری انسان است که امروز از ملزومات پیشرفت در هر جامعه می‌باشد و در حقیقت، همه کوشش‌ها وسیله‌ای برای تحقق عدالت است. ارزش‌هایی همچون آزادی و برابری ارزش‌هایی هستند که عدالت هم لازمه آنهاست و هم ملزوم آنها و اگر آزادی و برابری به عدالت منتهی نشوند، ارزشی نخواهند داشت. عدالت در پایه، مفهومی اخلاقی است و نیازمند سازوکارهای مناسب برای تحقق آن. پیشرفت واقعی نیز بر الزام اخلاقی ریشه‌کنی بی‌عدالتی استوار است و الگوهای پیشرفت نیز باید قادر به تقلیل بی‌عدالتی باشند.

۲-۴-۳. پرهیز از قول به غیر علم

در مسئله اخلاق، پرهیز از قول به غیر علم جزو اساسی‌ترین مسائل است.

همین‌طور که در زمینه‌های مختلف اهتمام به طهارت عملی دارید، به نماز اهتمام دارید، به روزه اهتمام دارید، به پرهیز از تعرض‌های جنسی اهتمام دارید، به این مسئله هم اهتمام داشته باشید. اگر چنانچه ما چیزی را به کسی نسبت بدهیم که در او نیست، این می‌شود تهمت. قول به غیر علم است. خود قولش هم اشکال دارد، عمل کردن به آن امر غیر معلوم و بدون علم هم اشکال دارد؛ یعنی چیزی را که علم به آن نداری، دنبال نکن، هم در زمینه عمل، هم در زمینه گفتار. وقتی شما یک چیزی را گفتید که به آن علم ندارید، این هم اختفای امری است که انسان به آن علم ندارد (مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۱۶).

۳-۴-۳. اخلاق و گمنامی

«شرط دیگر این است که در مقابل این حرکت و کار، از کسی مزد نخواهد. مزد، مربوط به جایی است که کسی از بیرون به ما انگیزه می‌دهد. وقتی ما از درون و عمق جان و از عشقمان انگیزه می‌گیریم، مزد دادن، تحقیر ماست» (مقام معظم رهبری، ۸۴/۳/۵). از آنجاکه مؤمن رفتار را با اخلاص و تنها برای خدا انجام می‌دهد، منطقی است که به دنبال نام و نشان نباشد و از هر گونه شهرت و تبرج دوری گزیند. این گمنامی و بی‌نشانی در اظهارات رهبر معظم انقلاب نیز چنین برجسته شده است: «حتی در میدان‌های علمی در عرصه‌های علمی، جوانان مؤمن که خصوصیتشان همین است که مؤمن‌اند، دنبال نام و نشان نیستند، از همه ظرفیت استفاده می‌کنند؛ هدف هم آرمان‌های نظام اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۸۸/۹/۴). ایشان درباره ضرورت دوری از شهرت می‌فرمایند: «اگر می‌توانید کاری کنید که به انسان سرشناسی در جامعه تبدیل نشود، این کار را بکنید» (مقام معظم رهبری، ۸۹/۷/۱۰). همین‌طور می‌فرمایند:

آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه اسلامی شامل دنیا و آخرت هر دو است. مسئله این است که زندگی دنیوی که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند. ارزشی که از نظر اسلام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند (مقام معظم رهبری، ۸۴/۲/۱۸).

ایشان عدالت را در پیوند عمیق با دو مفهوم دیگر معنویت و عقلانیت معنا می‌کنند و به این امر مهم توجه می‌دهند که اگر عدالت در پیوند با این دو مفهوم نباشد، عدالت نیست، و مردم باید بسیار مراقبت کنند تا دچار فهم اشتباه از عدالت نشوند و یا به تعبیری دیگر، سر مردم در شناخت و بهره‌گیری از عدالت کلاه نرود:

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است، دیگر معنویت. بنابراین عقلانیت و محاسبه یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است (مقام معظم رهبری، ۸۳/۵/۲۵).

اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم، یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد، این هم عدالت نخواهد بود. قرآن به ما دستور می‌دهد و می‌گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. این عدالت، نزدیک‌تر به تقواست (مقام معظم رهبری، ۹۰/۳/۱۴). عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع‌سازی تبدیل خواهد شد (مقام معظم رهبری، ۸۴/۶/۸).

وقتی از عدالت صحبت می‌شود، باید بدانیم که ثمره و نتیجه آن در رفتار و کردار ما باید بروز و ظهور یابد. عدالت را از سویی باید دوری از افراط و تفریط، و از سوی دیگر، نگاه همه‌جانبه‌نگر به موضوعات اجتماعی برای به دست آوردن حق و حقیقت دانست. ایشان درباره عدالت می‌فرمایند: تکیه بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ادامه کار همه انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است. عدالت در اخلاق یعنی اعتدال در قوای خشم و شهوت، مشروط به اینکه تحت تدبیر عقل قرار گیرد. از این‌رو عدالت اخلاقی، فضیلتی است که دربردارنده دیگر فضایل نیز هست و به تبع آن، قوه غضب از افراط و تفریط‌ها رهایی یافته، قوه شهوت مسیر اعتدال را می‌پیماید و در نتیجه قوه عقل نیز به حکمت می‌رسد و قوای دیگر را رهبری می‌کند. بی‌گمان جامعه بی‌تحقق حق عدالت جامعه‌ای سالم

همه ظرفیت وجودی خودتان را به کار ببندید. اما اگر می‌توانید کاری کنید، که معروف نشوید، این اولی است؛ این بهتر است. چه ضرری می‌کنید اگر مردم زبان به مدح و ثناء تو نگشایند؟ چه ضرری می‌کنید اگر چنانچه در نزد مردم مذموم باشی وقتی که پیش خدای متعال محمودی؟ (همان).

۴-۳. آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی

تربیت دینی بر اساس آرمانی مشخص و هدف‌گایی انجام می‌پذیرد و در چارچوب آن اقدامات مربوط به انتخاب هدف‌ها و اتخاذ رویه‌های تربیتی صورت می‌پذیرد. شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد تربیتی این اصل را اندیشه جهان با هدف القای روح معناداری به انسان و ایجاد اعتماد و امید در او دانست (استیس، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸). مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

ما هم آرمان‌گرایی را کاملاً تأیید می‌کنیم و هم دیدن واقعیات را. آرمان‌گرایی بدون دیدن واقعیات، به خیال‌پردازی و توهم منجر خواهد شد. البته باید میان واقعیات و آنچه که تلاش می‌شود به عنوان واقعیات القا شود، تفاوت قابل شد (مقام معظم رهبری ۹۲/۵/۷).

یکی از عناصر ضروری در ساخت هویت یک ملت، بحث ذخیره معنویت در وجود آحاد یک جامعه است. در همین راستا، مقام معظم رهبری از آرمان‌خواهی به عنوان مقدمه معنویت‌افزایی و به دنبال آن، ساخت هویت یاد می‌کنند. اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پایین‌تر رود، انسان دچار لغزش‌ها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد. معنویت در وجود یک انسان، برای او مایه هدفدار شدن است؛ زندگی او را معنا می‌کند و به آن جهت می‌دهد. همچنان‌که آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی یک جامعه را جهت‌دار می‌کند؛ و برای انسان هویت می‌سازد. لذا ایشان می‌فرمایند: «وقتی یک جامعه از آرمان‌های اخلاقی و معنوی تهی شد، هویت حقیقی خود را از دست می‌دهد و مثل پر کاهی می‌شود؛ گاهی به این طرف، گاهی به آن طرف می‌رود، گاهی دست این، گاهی هم دست آن می‌افتد» (مقام معظم رهبری، ۶۸/۳/۱۸). ایشان درباره تشکیل حکومت بر اساس آرمان‌ها و اهداف نیز می‌فرمایند:

تشکیل حکومت برای تحقق آرمان‌هاست. اگر حکومت تشکیل شد، ولی در جهت تحقق آرمان‌ها پیش نرفت، منحرف است. این یک قاعده کلی و معیار است؛ حتماً باید به سمت آن هدف‌ها و آرمان‌ها و آرزوهایی باشد که متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد. اگر نبود، منحرف است» (مقام معظم رهبری، ۷۵/۹/۱۹).

آرمان‌گرایی یعنی استفاده صحیح از واقعیات مثبت و مبارزه با واقعیات منفی در جهت رسیدن به اهداف بزرگ. ایشان عدالت‌خواهی، سبک زندگی معنوی، آزادی‌خواهی واقعی، عدالت، مساوات، عزت و سربلندی را از مصادیق بارز آرمان‌گرایی می‌دانند و درباره انحراف در ارزش

آرمان‌خواهی می‌گویند: «اگر آرمان‌گرایی، به بیزاری از آرمان‌ها تبدیل شود، باطنش ارتجاع و کهنگی و پوسیدگی و کهنه‌پرستی است. باید دنبال آرمان‌ها بود؛ یعنی دنبال عدالت، مساوات، آزادی معنوی، آزادی اجتماعی، عزت اجتماعی، سرآمد شدن ملی در جهان» (مقام معظم رهبری، ۷۸/۹/۱). لذا آرمان‌ها همان ارزش‌هایی مثل عدالت، مساوات، آزادی، معنویت، و عزت است. معظم‌له در تبیین آرمان‌ها برای یک جامعه هفت اصل را مطرح می‌نماید که عبارت‌اند از: اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام سکولار و اسلام متحجر، اعتقاد به اراده مردم، اتکال به کمک الهی، طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان در جبهه مخالف مستکبران، استقلال، رد سلطه‌پذیری و وحدت (مقام معظم رهبری، ۹۴/۳/۱۴).

۵-۴-۳. اخلاق و ولایت‌پذیری

بر اساس مفاهیم و ارزش‌های الهی که از اسلام گرفته شده است، فرض بر این است که این ارزش‌ها می‌توانند یک جامعه را سعادتمند کنند» (مقام معظم رهبری، ۷۴/۸/۱۰). اگرچه عده‌ای سعی دارند مسئله ولایت فقیه جامع‌الشرایط مورد قبول مردم را بد جلوه دهند و از آن به حکومت فردی تعبیر کنند، باید دانست که ولایت فقیه عادل بر جامعه اسلامی قانونمندترین حکومت‌ها در زمان غیبت امام معصوم است لذا رهبر معظم انقلاب بیان می‌دارند:

یک جامعه در صورتی دارای ولایت است که در آن ولی مشخص بوده و عملاً مصدر و الهام‌بخش همه نشاطها و فعالیت‌های زندگی باشد. از آنجاکه ولی جانشین خدا و مظهر سلطه و قدرت عادلانه الهی در زمین است؛ همه را به سوی بندگی خدا سوق می‌دهد، خرد و بینش انسانی را به باروری می‌رساند، آنان را به کار و ابتکار سوق می‌دهد، و خلاصه انسانیت و پدیده انسان را به هدف و غایت از آفرینش نزدیک و نزدیک‌تر می‌سازد، و راز این سخن آگاهی‌بخش را که هیچ‌یک از فرمان‌های دین به اهمیت ولایت نیست، آشکار می‌سازد (امینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۳۸).

متأسفانه در نگاه اومانیستی (انسان‌محور) به انسان که در غرب شکل گرفته، طوری انسان را مطلق‌العنان دانسته‌اند که هر چه را بپسندند و اراده کند، همان را مشروع و قانونی و غیر آن را غیر مشروع می‌نامند.

عده‌ای تلاش دارند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است (مقام معظم رهبری، ۸۳/۳/۱۴).

اهمیت علم اخلاق با توجه به تأکیده‌های فراوان قرآن و روایات بر تزکیه و تهذیب نفس، اهمیت پرداختن به مسائل اخلاقی بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا اصلاح انسان‌ها و جوامع بشری و نجات آنان از مشکلات و معضلات و مفاسد فردی و اجتماعی، در پرتو ترویج اخلاق به معنای واقعی تحقق خواهد یافت. امت اسلامی از وقتی دین را از حکومت و اخلاق را از مدیریت جامعه جدا کرد، دچار اختلال شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۶/۲۵).

۳-۴-۶. مسئولیت‌پذیری

سعادت آدمی به کمال مسئولیت‌پذیری اوست. اصل مسئولیت‌پذیری، به ما می‌آموزد که هر شخص در هر مرتبه‌ای باشد، برای همه امور و کارهای خود مسئول است. لذا رشد و کمال انسان چه از لحاظ روحی و فردی و چه از لحاظ اجتماعی به مسئولیت‌پذیری او ارتباط دارد:

فرد عافیت‌طلب و مسئول در قبال جامعه از کنار معضلات و نابسامانی‌ها به‌سادگی نمی‌گذرد، دردمندی است که کمبودها و تبعیض‌ها خواب راحت را از او گرفته و او را به میدان مبارزه با آن کشانده است؛ خود را سهیم می‌داند و مایل نیست کنار بنشیند، تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آنجایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا یک گوشه‌اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن؛ این‌جور انسان هم در جامعه داریم (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۹/۷).

مسئولیت‌پذیری مفهومی است که انسان‌ها همواره در زندگی فردی و اجتماعی خود با آن ارتباط دارند. انسان به لحاظ گستره وسیع ارتباطات خویش، مسئولیت‌پذیری بسیاری در حوزه‌های مختلف دارد. حوزه‌های مسئولیت‌پذیری انسان می‌تواند در ارتباط با خالق خویش، خانواده، جامعه و محیط‌زیست تعریف گردد که نسبت به هر یک دارای مسئولیت است و وظیفه‌ای بر عهده دارد. مسئولیت‌پذیری همچنین به لحاظ افزایش رفاه اجتماعی و تسکین روانی افراد جامعه فوق‌العاده تأثیرگذار خواهد بود. مقام معظم رهبری ضمن برشمردن ماهیت احساس مسئولیت از نگاه اسلام، این احساس را به تمام جوانب زندگی تسری می‌دهند و می‌فرمایند:

پایه تفکر، اعتقاد به مسئولیت انسان است. انسان موجودی است مسئول. نقطه مقابل این فکر، احساس بی‌مسئولیتی، در برابر خانواده و نزدیکان، مسئولیت در قبال حوادث زندگی؛ در سرنوشت جهان، و جامعه، چه مسلمان، چه غیرمسلمان نیز می‌باشد. پس این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان‌های هم‌عقیده و مسلم و مؤمن نیست، بلکه حتی نسبت به غیرمسلمین و غیرمؤمنین هم احساس مسئولیت می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۸).

رعایت حقوق اجتماعی هم‌نوعان، مشارکت در امور فرهنگی و دینی، مشارکت در دفاع از کشور، جهاد، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر و... مشارکت در امور اجتماعی و احساس وظیفه در برابر

مسائل اجتماعی آن‌قدر مهم است که اگر کسی چنین مسئولیت‌پذیری و اهتمامی به مشکلات مسلمانان نداشته باشد از دایره اسلام خارج است. رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو انسان‌های مسئولیت‌پذیر است. سرنوشت جامعه در دست این افراد است و این مفهوم موجب آرامش روانی و مانع از هم‌گسیختگی در اجتماع است. از منظر مقام معظم رهبری احساس مسئولیت و اهتمام به مشکلات مسلمانان جزو اسلام است و در بستر تربیت اخلاقی عینیت می‌یابد:

خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل می‌کند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، حکومت حق، روابط انسانی، دنیای آباد، آزاد بر عهده افراد است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی اساسی‌ترین جریان اجتماعی و فرایند زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان مبتنی بر معیارهای دینی و اخلاقی به منظور آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری اهداف، معرفت، تحول، جامعه صالح، مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است و ثمره آن به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود بلکه کل جامعه را متحول می‌سازد و تحقق آن، هم رفاه اقتصادی و هم فضایل اخلاقی را به همراه می‌آورد. در مقابل، فاصله گرفتن از فضایل اخلاقی مشکلات و گره‌های زندگی را پیچیده‌تر و بیشتر می‌کند. لذا تربیت اخلاقی نسبت به دیگر ساحت‌های تربیتی محوریت و اولویت دارد و هدف اساسی آن تربیت جوان متدین، دین‌باور، متخلق به اخلاق اسلامی و دیگر ویژگی‌هایی است که اسلام برای انسان برشمرده، است. شخص عالم در صورتی برای جامعه سودمند خواهد بود که از تأدیب و تربیت و اصلاح خویش‌ن آغاز کند و پایه اساسی پیشرفتی که محور آن انسان است و دارای بعد معنوی قوی است علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای برای رسیدن به تعالی روحی قرار دهد تا در نتیجه، جامعه‌ای صالح مهیا شود و در همه شئون فردی و اجتماعی بر اساس عمل صالح همراه باتقوا و معیارهای دینی و اخلاقی که عنصر اصلی این نوع زندگی است اقدام نمایند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مستقل از ملاحظات و فضایل اخلاقی به امان‌بخشی امور فردی و اجتماعی و فرهنگی خود اقدام کند. رسیدن به نقطه‌ای که شایسته کرامت انسانی و بهره‌بردن افراد از مواهب الهی چه مادی و چه معنوی است از جمله آنها می‌توان به آزادی، علم و فضایل اخلاقی اشاره نمود. به سبب اهمیت و ضرورت ارزش‌های اخلاقی، این ارزش‌ها باید در نظام تربیتی و آموزشی جای داده شوند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت.
- استیس، والتر، ۱۳۸۸، *عرفان و فلسفه*، چ هفتم، تهران، سروش.
- امینی، عبدالحسین، ۱۳۶۳، *الغدیر*، اصفهان، قائمیه.
- خنیفر، حسین، ۱۳۸۹، *مبانی تحول بنیادین (نظام آموزش و پرورش)*، تهران، نورالثقلین.
- ذوعلم، علی، ۱۳۸۰، *شرح دعای مکارم الاخلاق*، تهران، رایحه عترت.
- سلحشوری، احمد، ۱۳۹۲، «تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع)»، *مجله تخصصی نور*، ش ۳، ص ۱۵-۳۲.
- شویکلانی، مسلم، ۱۳۸۹، «تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *نور*، ش ۳۶، ص ۱-۶.
- صالحی، رضا، ۱۳۹۲، *تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ع)*، پایان‌نامه ارشد تعلیم و تربیت، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- عاطفت دوست، حسین، ۱۳۹۰، «بررسی تطبیقی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کلبِگ»، *معرفت اخلاقی*، ش ۶، ص ۵۳-۶۸.
- مروجی، لیلیا، ۱۳۸۵، «قرآن پیوسته انسان را به تفکر دعوت می‌کند»، ش ۷۳، ص ۲۸-۳۱. در: www.noormagz.ir/view/fa/articlepage/62389.
- مظفری، آیت، ۱۳۸۸، «مبانی بصیرت»، *حکومت اسلامی*، ش ۵۵، ص ۳-۳۲.
- مقام معظم رهبری، دیدار با دانشجویان، ۹۱/۵/۱۶. farsi.khamenei.ir
- _____، بیست و دومین سالگرد ارتحال امام، ۹۰/۳/۱۴. farsi.khamenei.ir
- _____، پیام نوروزی، ۷۴/۱/۱. farsi.khamenei.ir
- _____، تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، ۸۰/۵/۱۱. www.satereomid.blogfa.com
- _____، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۷/۶/۲۰. نرم‌افزار آیه‌های انقلاب، گروه فرهنگی هنری بشارت.
- _____، دیدار با مسئولان آموزش و پرورش، ۸۲/۴/۳۰.
- _____، دیدار با اعضای شورای شهر و شهردار تهران، ۸۲/۹/۱۷. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۱۲/۶.
- _____، دیدار با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۹۳/۹/۱۲. www.afsaran.ir
- _____، دیدار با بسیجیان، ۸۷/۶/۳. www.farsnews.com
- _____، دیدار با بسیجیان، ۸۷/۹/۴. www.tabnakmarkazi.ir
- _____، دیدار با بسیجیان، ۸۴/۳/۵. www.farsnews.com
- _____، دیدار با بسیجیان، ۸۴/۹/۷. farshad313.blogfa.com
- _____، دیدار با پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۹۲/۸/۲۹. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با جمعی از روحانیون، ۸۹/۷/۱۰. farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۷۰/۴/۱۸. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۸۳/۵/۲۵. farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۷۰/۱۰/۲۵. www.farsi.khamenei.ir
- _____، معرفت اخلاقی، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- _____، دیدار با جمعی از نیروهای نظامی، ۶۸/۳/۱۸. www.tnews.ir
- _____، دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۷۴/۰۸/۱۰. www.leader.ir
- _____، دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۸۶/۲/۲۵. www.khamenei.ir
- _____، دیدار با دانشجویان صنعتی شریف، ۷۸/۹/۱. farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با دانشجویان، ۹۲/۵/۷. www.alef.ir
- _____، دیدار با روحانیون استان سمنان، ۸۵/۸/۱۷.
- _____، دیدار با روحانیون و ائمه جمعه مازندران، ۶۹/۲/۲۲. www.amadebashblogfa.com
- _____، دیدار با زائرین و مجاورین حرم مطهر امام رضا (ع)، ۷۶/۱/۱. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با ستاد بزرگداشت مرحوم عسکراولادی، ۹۲/۱۰/۱۷. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با شرکت‌کنندگان همایش معاونین پرورشی، ۶۵/۸/۱۳. www.tebyan.net
- _____، دیدار با طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹. www.razavi.agr.ir
- _____، دیدار با فرزندان شهید، ۶۸/۵/۲۵. www.shobkalayi.blogfa.com
- _____، دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۹۳/۹/۸. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با قشرهای مختلف جامعه، ۷۱/۷/۲۹. www.siasi.porsemani.ir
- _____، دیدار با کارگزاران نظام، ۷۵/۹/۱۹. farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با مردم رفسنجان، ۸۴/۲/۱۸. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با مسئولان سازمان صدا و سیما، ۸۳/۹/۱۱. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار با نخبگان جوان، ۸۵/۰۶/۲۵. www.farsi.khamenei.ir
- _____، دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸۴/۶/۸. www.qz.salehin.ir
- _____، دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان‌ماه، ۷۷/۸/۱۲.
- _____، سالگرد ارتحال امام (ع)، ۸۳/۳/۱۴. www.porseman.org
- _____، سالگرد ارتحال امام (ع)، ۹۴/۳/۱۴. www.arman-iran.persianblog.ir